

# اصول فقه شیعه در هاروارد

گفت و گو با محسن کدیور

□ محمد رضا شرف همدانی



اشاره

حضور محسن کدیور در آمریکا و تدریس اصول فقه شیعه در آن سامان، تجربه‌ای است که برای وی دستاوردهای قابل توجهی داشته است. برای خواننده ایرانی که با محسن کدیور، دغدغه‌ها، مواضع و اندیشه‌های او آشناست این سؤال مطرح است که وی آنجا چه می‌کرده است؟ تجربه حضور خود را چگونه ارزیابی می‌کند؟ دستاورد او از این سفر علمی چه بوده است و چه نکته‌شنیدنی از آن ایام دارد. گفت و گوی ما با ایشان عمدتاً حول همین محورها بوده است. گروه اندیشه

● شما مدتی از ایران دور بودید و امکان آن را داشتید که ایران را از بیرون نظاره کنید. از این چشم‌انداز، جایگاه ایران را از لحاظ فرهنگی و علمی در منظومه جهانی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ حقیقت آن است که ایران از لحاظ فرهنگی جایگاه مناسبی در جهان معاصر ندارد. هر چند از قدیم می‌گفتند «هنر نزد ایرانیان است و بس»، اما این ویژگی اگر هم پایه و اساسی داشته مختص به آن زمان بوده و اکنون چنین نیست. در حال حاضر سه مؤلفه از فرهنگ ایران کنونی در خارج از ایران نمود داشت: نخست، فیلم ایرانی و دوم، موسیقی ایرانی و سوم عرفان ایرانی و اسلامی. فیلم ایرانی جایگاه بسیار معتبری در جهان معاصر کسب کرده است و البته این هم فقط به اعتبار نشان دادن نکات

منفی ایران نیست. بلکه سینمای ایران زاویه تازه‌ای را در فیلمسازی می‌گشاید که برای مخاطبان خارج از ایران جاذبه دارد و با کمترین امکانات و مبتدی‌ترین هنرپیشه‌ها، پرمعناترین سوزها را به تصویر می‌کشد. برای من بسیار جالب بود وقتی دیدم در موزه هنرهای زیبای بوستون، هر هفته فیلمهای ایرانی را با زیرنویس انگلیسی بخش می‌کنند که با استقبال فراوان از جانب آمریکاییان و ایرانیان مقیم آمریکا روبرو می‌شد و موسیقی ایران نیز همچون فیلم در آنجا جای خودش را باز کرده بود و قابل اعتنا شمرده می‌شد. عرفان اسلامی و ایرانی مهمترین و نافذترین نماینده اندیشه ایرانی در جهان معاصر است. حضور مقتدرانه جناب مولانا و حضرت حافظ دریچه‌ای به سوی نور و معنویت را برای انسان صنعت زده و ماشینی

امروز گشوده است. بسیاری از آمریکایی‌ها به عشق لمس دنیای مولانا به آموزش زبان فارسی رو آورده‌اند. اما از نظر علمی باید بگویم ما جزو کشورهای انتهایی جدول هستیم. امروزه شاخصهایی وجود دارد که براساس آن می‌توان رشد و جایگاه علمی هر کشور را تعیین کرد. از آن جمله، میزان مقالات علمی استادان، تعداد استاد تمامهای دانشگاهها، تعداد دانشجویان دکتری و... با این توجه ملاحظه کنید اکنون ما چه تعداد نخبه علمی داریم؟ یعنی در کاروان علم جهانی دانشمندان ما چه جایگاهی دارند؟ آیا یک دانشمند ایرانی سراغ داریم که جایزه نوبل کسب کرده باشد؟ چند چهره شاخص علمی بین المللی داریم؟ کدام کتاب و مقاله علمی ایرانی، یک حادثه علمی محسوب شده

و به عنوان مرجع آن رشته تلقی شده است؟ آیا می‌توان دانشمندی ایرانی را با مشخصات فوق یافت؟ البته ما متخصصان ایرانی چه در داخل و چه در خارج کم نداریم. طبق یک آمار تقریباً مسند تعداد استادتمامهای ایرانی مشغول تدریس در آمریکا حدود ۱۸۰۰ نفر است. در حالی که در ایران حدود ۱۰۰۰ مدرس دانشگاه با درجه استادی داریم. در ضمن نکته بسیار نگران کننده آن است که طبق جدیدترین آمار از فرار مغزها، ایران بین ۶۱ کشور در حال توسعه جهان، مقام نخست را به خود اختصاص داده است. در این سفر دانشجویان المپیادی فراوانی از ایران دیدم که در دانشگاه MIT که از معروف ترین دانشگاههای صنعتی آمریکاست مشغول تحصیل بودند. که رقم قابل توجهی از آنها قصد بازگشت به ایران را نداشتند. به هر

حال به طور کلی در پاسخ شما باید بگویم وضعیت کشور ما چه از لحاظ علمی و چه از لحاظ فرهنگی چندان مناسب نیست.

● شما به پدیده مهاجرت نخبگان اشاره کردید. عوامل زمینه ساز این رویداد را چه می‌دانید؟

○ در جهت کاهش سرعت این روند سه عامل اصلی را می‌توان برشمرد: نخست امنیت فرهنگی است یعنی اینکه استاد، دانشجو و یک فرهیخته احساس نکند در جامعه اش امنیت لازم برای انجام کار علمی وجود ندارد. ناامنی های فرهنگی مهاجرت و فرار مغزها را فراهم می‌کند. در جامعه‌ای که مردم هر روز منتظر یک حادثه هستند، علم زاده نمی‌شود. بحران سازی بزرگترین مانع شکوفایی دانش است، دانشمندان محیط آرام می‌خواهند در حالی که بحران سازان یک محیط ناآرام فراهم می‌کنند.

مسأله دوم در فرار مغزها به بحث تکنولوژی اطلاعات Information Technology یا IT بازگشت می‌کند. در دنیای امروز سرعت اطلاع رسانی در برخی از رشته‌ها به حدی است که اگر یک ماه از اطلاعات تولید شده در آن رشته بی‌خبرمانید حق صحبت کردن در آن رشته را نخواهید داشت. با این توصیف وقتی تخصصی می‌بیند که تمام درهای اطلاعاتی جامعه اش بسته شده است و به دلایل واهی دادوستد علمی صورت نمی‌گیرد و از دستاوردهای روزآمد آن رشته محروم است، ترجیح می‌دهد در محیطی باشد که بتواند خودش را با اطلاعات علمی روز هماهنگ کند. ما هنوز با بدیهیات یک کار علمی بیگانه ایم. هنوز بسیاری از دانشگاههای ما از دسترسی به مجلات و کتب علمی روز محرومند. بسیاری از کتابخانه‌های

دانشگاههای آمریکا بالای یک میلیون جلد کتاب دارند در حالی که کتابخانه این دانشگاه (تربیت مدرس) حدود ۱۲۰ هزار جلد کتاب دارد. مجموعه کتابهای فارسی دانشگاه هاروارد از مجموعه کل کتابهای دانشگاه تهران بیشتر است. برای تأسیس هر رشته در مقاطع فوق لیسانس و دکتری احتیاج به یک میزان مشخص کتاب است که بسیاری دانشگاههای ما تماماً از این امکان محروم هستند. با این وصف دانشجوی نخبه ما چگونه به کار علمی و نوشتن رساله و مقاله بپردازد. عامل سوم در فرار مغزها که نسبت به دو عامل پیشین از درجه اهمیت کمتری برخوردار است عدم تأمین حداقلهای مادی اساتید است. مطابق تحقیقات صورت گرفته فاصله حقوقی یک استاد ایرانی با یک استاد آمریکایی یک به بیست است. من

فکر می‌کنم بسیاری از اساتید حاضرند در کنار مردم این مشکلات را تحمل کرده و با آن کنار بیایند به شرطی که تبعیض مشاهده نکنند.

● ظاهراً شما در آمریکا فقه اسلامی با گرایش شیعه تدریس می‌کردید. مباحث شما، شامل چه مطالبی بود؟

○ در آنجا کوشش کردم مباحث اصول فقه شیعه را ارائه کنم. متأسفانه تاکنون در آنجا از شیعه اطلاعات اندکی ارائه شده است. اکثر اطلاعات ارائه شده از شیعه نیز نوعاً از زاویه دید اهل سنت است و از طرف دیگر سیمایی که از اسلام نشان داده اند سیمایی غیرعقلانی، تنگ نظرانه و تا حدودی تاریخی است. کوشش من بر این بود که در کنار این قرائت متداول و عموماً وهابی از اسلام، قرائتی عقلانی از آن ارائه کنم. زیرا آنچنان که به نظر می‌رسد مهمترین قوت اندیشه شیعه در همین پردازش خردباورانه از اسلام است. در اصول فقه نیز تأکید من بیشتر بر ملازمات عقلیه و جایگاه عقل به عنوان یکی از منابع فقه اسلامی بود. در این زمینه مانند بسیاری زمینه‌های دیگر هیچ منبع انگلیسی موجود نیست و این بسیار تأسف بر انگیز است. متأسفانه در سالهای پس از انقلاب با وجود نهادهای ایرانی که در آنجا به فعالیت مشغول هستند کار قابل اعتنایی در زمینه اندیشه اسلامی – شیعی صورت نگرفته است. مهم آن است که نخست کرسی زبان فارسی و سپس کرسی اندیشه اسلامی – اندیشه شیعی تأسیس شود. ما در آنجا کرسی اسلام شناسی داریم ولی به دلیل حمایتی که دولتهای عربی از آنها می‌کنند اندیشه اهل سنت معرفی شده اما اندیشه شیعه‌ای جایگاه مناسبی در محیط های آکادمیک ندارد.

● از مباحث شما استقبالی می‌کردند؟

○ کنجکاو بودند، من در ابتدا، سعی کردم مباحث حوزه اندیشه سیاسی شیعه را با تکیه بر اندیشه ایران معاصر مطرح کنم ولی با پرسشهایی مواجه شدم که احساس کردم میزان اطلاع شرکت کنندگان از مباحث اندیشه دینی در ایران بسیار اندک است لذا بر آن شدم که قبل از شاخه و برگها به ریشه بپردازم. چنین بود که بحث اصول فقه را برگزیدم. نکته بسیار مهمی که توجهم را جلب کرد برخی پرسشهای دقیق ناشی از فهم عمیق بود که برخاسته از نگاهی تطبیقی بین اصول فقه و فلسفه اسلامی از سوی حقوق و فلسفه‌های معاصر غرب از سوی دیگر بود. باید بگویم، این مباحث، مباحث جدید و قابل توجهی برایشان بود و بیش از هر چیز درصدد ارتباط برقرار کردن و درک آن بودند.

ادامه دارد